

زبان سومری و پان ترکیسم

[مقاله از آذرگشنسپ](#)

نویسنده : دکتر علی دوستزاده

پان ترکیست ها از دوران **حکومت آتا ترک** کوشیده اند که ده ها تمدن غیر ترک را به سود خود، ترک قلمداد کنند. به گفته ولادیمیر مینورسکی خاورشناس معروف: «هر جا که پرسش حل نشده ای در زمینه فرهنگ قوم های شرق باستان پدید آید ترکان بی درنگ دست خود را همان جا دراز می کنند».

Pan Turkism, par minorsky dans ensycolpdie de islam, Livraison N. P. 924 Akopov

یکی از این تمدن های درخشان و کهن که دچار بازی سیاسی پان ترک ها گردیده، تمدن سومری است. صد سال پیش که دانش سومرشناسی در آغاز راه خود بود، اشخاص مختلف نظریه های متفاوتی را درباره زبان سومریان ارائه کرده بودند. صد سال پیش، برخی نویسندگان زبان آن ها را افریقایی شمردند و بعضی زبان آنان را دراویدی و شماری دیگر حتی زبان آن ها را زبانهی قفازیو هندو اروپایی یا آلتایی یا اورالی پنداشتند. مثلا کلوگ (سومرشناس) معتقد است که زبان سومری را نمی توان از نظر ساختاری با خانواده زبان های فینوایغوری مقایسه کرد، بل که این زبان با زبان های حامی و بسیاری از زبان های سودانی قابل مقایسه است (بنگرید به نوشتار (1) در کتابنامه). همچنین مین هاف (1914-1915) برای نخستین بار شباهت های زبان سومری و برخی زبان های آفریقایی (باننو و حامی) را تشخیص داد (بنگرید به نوشتار (1) در کتابنامه). امروزه پان ترکیست ها برای اثبات ترکی بودن زبان سومری، از صد سال پیش تاکنون، تنها نام يك دانشمند را به میان می آورند. این دانشمند، شخصی آلمانی به نام هومل بود. از زمانی که هومل ادعای تعلق زبان سومری را به خانوادهی امروز مفقود شدهی تورانی (که بخشی از آن را خانوادهی امروز مفقود شدهی اورال-آلتایی که دو خانوادهی مستقل از هم دانسته میشوند) مطرح کرد، صد و ده سال می گذرد. در زمان هومل، تنها خود وی بود که در میان همه دیگر سومر شناسان به این ادعا اعتقاد داشت. مثلا دانشمند بزرگ آن زمان، موریس جاستروی کوچک (Morris Jastrow JR) که استاد دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا (Pennsylvania) در سال 1906 بود، در باره ادعای هومل می نویسد:

«نظر هومل را در این مورد مانند بسیاری از مسائل دیگر تنها يك دانشمند قبول کرده است، آن دانشمند خود هومل می باشد! فهرست واژگان سومری، با مترادف های تصور شده ترکی شان، که او ترتیب می دهد، اعتماد و اطمینانی را به روش وی، القا نمی کند» (2) (برای پان ترکیستهایی که به ترجمه ی ما اعتقاد ندارند، برای اصل انگلیسی مطلب، بنگرید به کتابنامه پایین سند دوم، برگ دوم).

امروزه حتی يك سومری شناس وجود ندارد که زبان سومری را زبانی تك خانواده ای نداند و پان ترکیستها نمیتوانند یک سومرشناس با شهرهء جهانی را معرفی کنند که هم نظر آنها باشند. ناچار پان ترکیستها به تئوریهای توطئه میپردازند و میگویند دانشگاه های مستقل و بزرگ غرب، بر ضد آنها توطئه چیده اند. مقصود ما از يك دانشمند سومری شناس، پژوهشگری است که مقالاتی را در مجلات بزرگ خارجی، که مبتنی بر شیوه ی نقد و مذاقه اند، منتشر ساخته است و نه نویسندگانی که کتاب هایی را به زبان ترکی می نویسند یا در نشریات که به لحاظ سیاسی پان ترکیسم را تشویق می کنند، مطالبی را منتشر می سازند. ما در این مقاله، به بسیاری از این مجلات گسترده که بر شیوه ی نقد و مذاقه مبتنی اند، اشاره و مراجعه می کنیم. اشخاصی چون صدیق، زهتابی و هیئت هیچ مقاله ای را در این مجلات معتبر ندارند و خود می دانند که نظریات شان را به طور خطرناکی، فقط پان ترک های مغزشویی شده پذیرفته اند.

با این مقدمه، ما این مقاله را به سه بخش تقسیم کرده ایم. در بخش اول از چند مقاله متعلق به سومری شناسان و زبان شناسان، و کتابهای سومری درباره تک خانواده ای بودن زبان سومری نقل قول می کنیم. در بخش دوم بر اساس چند مقاله معتبر که در پایگاه آذرگشنسپ موجود هستند تفاوت های فاحش دستور زبان سومری و زبان ترکی را بررسی می کنیم. در بخش سوم به فهرستی و ازگانی که فردی پان ترکیست برای ما فرستاده بود نگاه می کنیم و می بینیم که چگونه این اشخاص برای ترکی جلوه دادن زبان سومری، واژه هایی را از جانب خود جعل کرده و به زبان سومری نسبت داده اند. هم چنین برای مقایسه، شماری از واژگان سومری را که با زبان های افریقایی و استرالیایی و دراویدی و باسک و هندو اروپایی شباهت آوایی دارند، در ادامه نقل می کنیم.

بخش اول - نقل قول هایی از دانشمندان و کتاب های معتبر امروزی:

(0)

یکی از کتابهای مشهور که مورد استفاده تدریس زبان سومری می باشد کتاب:

John Hayes, University of California, Berkeley

"Sumerian" 2nd printing June 1999, Languages of the World/Materials 68,

LINCOM EUROPA, Paul-Preuss-Str. 25, D-80995 Muenchen, Germany.

در مقدمه این کتاب می خوانیم:

"Sumerian has the distinction of being the oldest attested language in the world. Spoken in the southern part of ancient Mesopotamia, the Iraq of today, its first texts date to about 3100 BCE. Sumerian died out as a spoken language about 2000 BCE, but it was studied in the Mesopotamian school system as a language of high culture for almost two thousand more years. A language-isolate, Sumerian has no obvious relatives. Typologically, Sumerian is quite different from the Semitic languages which followed it in Mesopotamia. It is basically SOV, with core grammatical relationships marked by affixes on the verb, and with adverbial relationships marked by postpositions, which are cross-referenced by prefixes on the verb. It is split ergative; the perfect functions on an ergative basis, but the imperfect on a nominative-accusative basis.

Because Sumerian is an **isolate**, and has been dead for thousands of years, special problems arise in trying to elucidate its grammar. There are still major challenges in understanding its morphosyntax, and very little is known about Sumerian at the discourse level. This volume will describe some of the major questions still to be resolved.

ترجمه:

زبان سومری این امتیاز را دارد که کهن ترین زبانی است که اسنادی از آن به جا مانده است. نخستین متن های کشف شده از این زبان که در نواحی جنوبی میان رودان (بین النهرین) باستان، عراق امروزی، رایج بوده، به 3100 سال

پیش از میلاد مربوط می شود. سومری، به عنوان زبانی گفتاری، دو هزار سال پیش از میلاد متروک شد اما تقریباً تا دو هزار سال پس از آن هم این زبان به عنوان زبان "فرهنگ والا" در مدرسه های میان رودان تدریس می شد. سومری زبانی جدا است و بطور مشخص وابسته به هیچ خانواده ای نیست. از دیدگاه گونه شناختی، زبان سومری با زبان سامی که جایگزین آن در میان رودان شد کاملاً فرق دارد. ساختار جمله در زبان سومری به صورت «فاعل، مفعول، فعل» است. روابط دستوری در این زبان با «وند» هایی که به فعل اضافه می شوند تعیین می گردد و قیدها نیز بصورت «پی بست» در جمله می آیند. این پی بست ها به وسیله ی پیشوندهای متصل به فعل ارجاع داده می شوند. همچنین روابط دستوری در این زبان، ارگاتیو و گسسته است و از این جهت، در ساختارهای ارگاتیو بهترین بازدهی را دارد و در ساختارهای فاعلی- مفعولی بازدهی کمتری دارد. چون سومری زبانی تک خانواده ای است و نیز هزاران سال است که از آن استفاده نمی شود، تعیین دستور این زبان دشواری های ویژه ای را فرا روی پژوهشگران قرار می دهد. هنوز چالش های بزرگی در تشخیص ترتیب تکواژها در این زبان وجود دارد و شناخت ما از زبان سومری در سطح گفتمان بسیار اندک است.

توضیح چند مفهوم زبان شناسی:

Post position را در فارسی هم پی بست و هم پس آیند ترجمه کرده اند. از دیدگاه من چون ممکن است واژه "پس آیند" با "پسوند" اشتباه شود، بهتر است از پی بست استفاده کنیم. پی بست، واژه یا عبارتی است که واژه یا عبارت پیش از خود را تعریف می کند. برای مثال در عبارت "poets bold and free" که یعنی شاعران شجاع و آزاد، **bold and free** پی بست poets است.

ergative به حالتی گفته می شود که در آن مفعول فعل متعدی می تواند بدون تغییر در معنا در نقش فاعل فعل لازم بکار گرفته شود. برای مثال در زبان انگلیسی، فعل open در دو جمله I opened the door و The door opened به ترتیب در قالب فاعلی و مفعولی آمده است بدون آنکه ما با استفاده از قانون های دستوری و فعل کمکی was بخواهیم در آن تغییری ایجاد کنیم.

discourse یا سخن، گروهی از جمله های معنادار، پیوسته، و هدفمند را می گویند. پس آنرا با جمله اشتباه نگیرید.

(1)

"The isolated nature of Sumerian is further brought into relief when we take a look at certain typological features of the language. In contrast to all the surrounding languages, Sumerian has ergative argument marking and, as Nichols (1994) has shown, ergativity is relatively stable."

Prof. Piotr Michalowski

University of Michigan

Ann Arbor

<http://www-personal.umich.edu/~piotrm/cv1.htm>

ترجمه:

از بررسی نوع شناسی زبان سومری-تک خانواده بودن آن آشکارتر می شود. بر خلاف زبانهای همسایه، زبان سومری ارگاتیو می باشد و نیکلوس (1994) نشان داده است که ارگاتیویتی یک امر ثابتی است.

اصل مقاله:

The Life and Death of the Sumerian Language in Comparative Perspective

که از این جا بر گرفته شده:

<http://www-personal.umich.edu/~piotrm>

(2)

“Sumerian is a language isolate, meaning that it has no relatives living or dead (though there have been unsuccessful attempts to connect Sumerian to a number of languages).”

«زبان سومری، يك زبان منفرد است، بدین معنی که هیچ نسبتی با زبان های زنده و مرده ندارد (هرچند تلاش های انجام شده برای ارتباط دادن زبان سومری با تعدادی از زبان های دیگر، ناموفق بوده است)».

<http://ccat.sas.upenn.edu/psd/>

Prof. Steve Tinney, Middle Eastern Languages, Sumerian specialist

درباره کار و موفقیت این سومر شناس بزرگ از دانشگاه پنسیلوانیا می توانید این جا بیش تر بخوانید:

http://news.nationalgeographic.com/news/2002/07/0723_020724_cuneiform.html

(3)

“Sumerian is an isolated language: there is no evidence that it is related to any other language at all, living or dead. It certainly cannot be connected with Indo-European (IE) or Semitic, nor can these two be related to each other.”

«زبان سومری، زبانی منفرد و مجزاست: هیچ نوع برهانی وجود ندارد که نشان دهد این زبان با هر زبان دیگری، مرده یا زنده، خویشاوندی داشته است. این زبان یقیناً ارتباطی با زبان های هندواروپایی یا سامی نداشته و نمی توان این دو را با یکدیگر ارتباطی داد».

Prof. Larry Trask

COGS

University of Sussex

Brighton BN1 9QH

UK

<http://www.sussex.ac.uk/linguistics/profile2712.html>

larryt@cogs.susx.ac.uk

“After the conquest of Sumer by the speakers of Akkadians, Sumerian eventually disappeared as a spoken language, though it continued to be used as a written language for many more centuries. Sumerian is an isolated language.”

(R.L. Trask, Dictionary of Historical and Comparative Linguistics, Routledge, 2000. pg 330)

(4)

"Sumerian is an isolate, a language with no known relatives. It can't be placed in any language family at all."

-Steven Schaufele, Ph.D., Asst. Prof. of Linguistics, English

«سومری زبانی منفرد است، زبانی با خویشاوندان ناشناخته. این زبان را در هیچ خانواده ی زبانی نمی توان جای داد».

-Steven Schaufele, Ph.D., Asst. Prof. of Linguistics, English

Department Soochow University, Waishuanghsi Campus, Taipei 11102, Taiwan

(5)

The School of Oriental and African Studies

(SOAS), University of London. In their Sumerian Language Studies Brochure:

The School of Oriental and African Studies(SOAS), University of London. In their Sumerian Language Studies Brochure:

“Sumerian, the oldest known written language in human history, was spoken in Mesopotamia (modern Iraq and peripheral regions) throughout the third millennium BC and survived as an esoteric written language until the death of the cuneiform tradition around the time of Christ. The Sumerian language, which is related to no other known tongue, was only properly deciphered this century. A considerable literature in Sumerian is currently being reconstructed from fragmentary clay tablets housed in the museums of the world.”

«زبان سومری، کهن ترین زبان شناخته شده مکتوب در تاریخ بشر، در میان رودان (عراق کنونی و مناطق پیرامونی آن) در سراسر هزاره سوم پیش از میلاد و به عنوان يك زبان مکتوب محرمانه تا زمان از میان رفتن تداول خط میخی در حوالی عصر مسیحیت، برجای بود. زبان سومری، که با هیچ زبان شناخته شده دیگری خویشاوندی ندارد، صرفاً در این سده به درستی رمزگشایی گردید. عمده ی متون سومری عموماً بر اساس الواح رسی شکسته ی محفوظ در موزه های جهان نوسازی گردیده است».

6

Kramer, Samuel, Noah 1963. The Sumerians. Chicago: University of Chicago Press.

“In vocabulary, grammer, and syntax, however, Sumerian still stands alone and seems to be unrelated to any other language, living or dead”.

«واژگان، دستور، و نحو زبان سومری همچنان بر یگانگی پای می فشارد و به نظر می رسد با دیگر زبان ها، زنده یا مرده، فاقد خویشاوندی است»

(8)

Encyclopedia Britannica. 2004: Under Sumerian Language

language isolate and the oldest written language in existence. First attested about 3100 BC in southern **Mesopotamia**, it flourished during the 3rd millennium BC. About 2000 BC, **Sumerian** was replaced as a spoken language by Semitic Akkadian (Assyro-Babylonian) but continued in written usage almost to the end of the life of the Akkadian language, around the beginning of the Christian era. **Sumerian** never extended much beyond its original boundaries in southern Mesopotamia; the small number of its native speakers was entirely out of proportion to the tremendous importance and influence **Sumerian** exercised on the development of the Mesopotamian and other ancient civilizations in all their stages.

«زبان سومری، زبانی منفرد و کهن ترین زبان مکتوب موجود است. این زبان برای نخستین بار در حدود 3100 پیش از میلاد در جنوب میان رودان گواهی گردیده و در طول هزاره سوم پ.م. رشد و توسعه یافته است. در حدود 2000 پیش از میلاد، زبان سومری به عنوان زبانی محاوره ای، با زبان سامی اکدی (آشوری- بابلی) جای گزین شد اما کاربرد کتبی آن کمابیش تا پایان حیات زبان اکدی، در حوالی آغاز عصر مسیحیت، ادامه داشت. زبان سومری هرگز بسیار فراتر از مرزهای اصلی خود در جنوب میان رودان توسعه نیافت؛ شمار اندک گویندگان بومی این زبان، تناسبی با اهمیت عظیم و تأثیرات زبان سومری بر توسعه تمدن میان رودان و تمدن های دیگر، در همه مراحل آنان، نداشت.»

(9)

"Sumerian is an **isolate language** whose linguistic relatives, if it ever had any, all died out before they were written down".

(Simon Eliot, Jonathan Rose, *A Companion to the History of the Book*, Blackwell Publishing, 2007, pg 68).

"An **isolate is a language** which has no known relatives, that is, a family with but a single member. Some of the best known isolates are Ainu, Basque, Burushaski, Etruscan, Gilyak (Easter Siberbia), **Sumerian**, Tarascan, Zuni and several other languages in America" (Lyle Campbell, *Historical Linguistics: An Introduction*, MIT Press, 2004, pg 187).

"In some cases, a single language has no known relationship with other languages and cannot be assigned to family. When this occurs, the language in question is called an isolate. Some languages that have not been related to any other are Basque (spoken in northeastern Spain and southwestern France),

Ainu(of northern Japan), Koutenay (British Columbia), Gilyak (Siberia), Taraskan (California), and Burushaski (spoken in Pakistan). There are also extinct **Sumerian**, Iberian, Tartessian, and many other other languages known only from inscriptinal material".(Kirsten Malmkjaer, *The Linguistics Encyclopedia*, Routledge, 2003. pg 247)

"The approaches to the reconstruction of the phonological system of several Ancient Near Eastern languages, which will be subject to further examination in this paper, show methodological differences which depend on whether a language is closely related to a group of well-known languages and at least partially still spoken or **whether it is isolated**. A language of this latter group is **Sumerian**, the oldest known language of the accusative-ergative type, which was spoken in Souther Mesopotamia during the 3rd millennium B.C. and became extinct no later than the beginning of the 2nd millennium B.C . (Florian Coulmas, Konrad Ehlich, "Writing in Focus", Walter de Gruyter, 1983, pg 159)

"The death of language isolate causes the entire lineage to die out, as has happened in historical times with Sumerian, Elamite, Etruscan, Iberian, northern Pictish, and no doubt countless others."

(William H Durham, E Valentine Daniel, Bambi Schieffelin, "Annual Review of Anthropology", Annual Reviews, Incorporated, 1997. pg 366)

(10

کتاب ها و اسناد دیگر که نگارنده به آن ها رجوع کرده است:

M.L. Thomsen, *The Sumerian Language: An Introduction to Its History and Grammatical Structure*; Copenhagen 1984

J.L. Hayes, *A Manual of Sumerian Grammar and Texts*; Malibu 1999

B. Alster, *Proverbs of Ancient Sumer: The World's Earliest Proverb Collections*, 2 vols; Bethesda, Maryland, 1997.

Encyclopedia of the Ancient World / editor, Sharon Grimbly.

- London : Fitzroy Dearborn, 2000

تا آن جا که نگارنده تحقیق کرده است، کتاب نخستین و سومین، کتاب های درسی سومری شناسی در بزرگ ترین دانشگاه های امریکا مانند Berkeley , Stanford , Pennsylvania می باشند.

نتیجه بخش اول: هیچ يك از دانشمندان و سومری شناس کنونی زبان سومری را ترکی نمی دانند! البته توده ای های سابق و پان ترکیستان ترکیه که همواره و متکبرانۀ فضل فروشی می کنند اما هیچ مقاله ای در نشریات معتبر (نه مجله های پان ترکی!) جهان درباره زبان سومری ندارند، خارج از بحث ما هستند.

بخش دوم - رد ادعاهای گزاف پان ترکیستان

در سال 1971 فردی مجارستانی(که نام دانشگاه خود را نیز معرفی نکرد و به نظر میرسد با دانشگاهی وابسته نبود زیرا افرادی که در این مجله مینویسند نام دانشگاه خود را نیز می آورند) نوشتاری کمتر از یک صفحه به بخش پیغامهای خوانندگان مجله معتبر جهانی CA فرستاد و ادعا کرد که زبان مجاری و ترکی و اورال و آلتایی یکی از بازماندگان زبان سومری می باشد. ولی از طریق گونه شناسی زبان ها نمی توان همپیشگی آن ها را ثابت کرد و حتا پیوند فرضی میان دو خانواده زبانی اورال- آلتایی نیز اثبات نشده است (Britannica: Ural and Altaic) چه برسد به سومری و زبان های اورالی و زبان های آلتایی. استدلال این فرد شباهتهایی با استدلال پان ترکیستان دارد. زیرا این فرد می گفت چون زبان سومری التصاقی است پس زبان مجاری و سومری از يك خانواده اند. همچنین نامبرده، با استفاده از چند واژه مجعول سومری و تلفظ غیر واقعی و تغییر معنی آن ها می خواست بگوید که لغت های مشترک بسیاری میان زبان سومری و مجاری موجود است!! ما متن اصلی انگلیسی پاسخ بیش از ده زبان شناس و سومری شناس بزرگ را به این شخص افراطی در آذرگشنسپ از CA درج کرده ایم. (برای پان ترکیستهایی که به ترجمه ی ما باور ندارند، خواهشمندانه به بخش کتابنامه همین مقاله رجوع کنند!)

در زبان مجاری مانند زبان ترکی ریشه کلمات همواره ثابت است و لغات با افزودن پسوند های متفاوت به ریشه کلمات ساخته می شود. برای همین در دوران گذشته یعنی (60) سال پیش اشخاصی بودند که فرض می کردند این دو زبان از يك ریشه اند. اما همانطور که در بالا تذکر دادیم نظر همه منابع معتبر بر این است که این دو خانواده (اورالی و آلتایی) از هم جدا هستند. همچنین ادعای یکی دانستن ریشه زبان ترکی و سومری کلا باطل است. پیشوندها و پسوندها در ساختار واژگانی زبان سومری، آزادانه به کار می روند. سومری از این نظر با دیگر زبان های پیوندی آسیایی، مانند اورالی-آلتایت، دراویدی، ژاپنی، و کره ای فرق دارد؛ از این رو که در این زبان ها در هنگام صرف فعل، اسم، یا ضمیر، تنها از پسوندهای معینی می توان استفاده نمود.

در ادامه، به برخی از پاسخ های زبانشناسان به این افراط گر مجاری، نگاهی می افکنیم. همین گفتارها در جای خود، ادعای پان ترکیستان را نیز ابطال می کند زیرا استدلال شان درست مانند آن فرد مجاری است. برخی از نوشته های این دانشمندان را در این جا می خوانید. اصل مقاله همان طور که اشاره کردیم در بخش اسناد در پایان این مقاله وجود دارد.

(برای پان ترکیستهایی که به ترجمه ی ما باور ندارند، خواهشمندانه به بخش کتابنامه همین مقاله رجوع کنند!)

«این واقعیت که زبان سومری در عین پچیدگی، به خوبی شناخته شده است، در صدسال گذشته بسیاری را وادار کرده تا دست به قلم برند و این زبان را در عمل به همه زبان های موجود در سرزمین های میان پلی نزی و آفریقا ارتباط دهند. نویسندگان چنین پژوهش هایی به گونه ای استوار و قابل اعتماد این نکته را اثبات می کنند که یا زبان خودشان یا زبانی که به آن علاقه مند شده اند به زبان سومری باستان مربوط است. قاعده ی ای نگونه پژوهش ها آن است که

پژوهشگران یادشده، چند واژه ی شبیه به واژگان سومری و تعدادی از ویژگی های زبانی سومریان را که از بافت متن ها برداشته شده و می تواند با ویژگی های دستوری چند زبان دیگر هم شباهت داشته باشد، به عنوان دلیل ادعای خود مطرح می کنند.»

«تقسیم زبان ها به دو گونه ی «پیوندی» و «تصریفی» تنها بخشی از کل ساختار زبان را، که ساخت شناسی واژگانی نامیده می شود، دربر می گیرد. شباهت ساخت شناسی واژگانی میان دو زبان، لزوماً به معنای همپوشانی بودن آن دو زبان نیست.»

برای مثال، همه زبان های زیر زبان هایی پیوندی هستند، اما در گروه هایی متفاوت قرار داده می شوند:

زبان های آفریقایی همچون بانتو، سواحیلی...؛
 زبان های دراویدی همچون تامیل و مالزیایی...؛
 زبان های بومی استرالیا...؛
 زبان های بومی آمریکا...؛
 زبان های قفقاز همچون گرجی و چچنی و لازی و اودی و لزگی...؛
 زبان های هند و اروپایی همچون زبان تخاری و تا اندازه ای کمتر زبان های آلمانی؛
 زبان های پلی نزیایی.
 و زبان های اورالی،
 و همچنین زبان های آلتایی

نویسنده ای در این باره می گوید: «برای مثال، تخاری که زبانی هندواروپایی است، همانند سومری و مجاری، زبانی پیوندی به شمار می رود، اما هیچ کس زبان تخاری را به این دو زبان ربط نمی دهد. در نتیجه سالها پژوهش بر روی بسیاری از زبان ها از نظر پیوندی، تصریفی، یا جداگانه بودن زبان که موضوعی پرسابقه است ولی امروزه مورد تردید قرار دارد، من به این نتیجه رسیده ام: از دیدگاه من، این مفاهیم سه گانه (پیوندی، تصریفی، و جداگانه) حداکثر، مرحله ای است که زبان ها ممکن است یا باید در گذر قرن ها از آن عبور کنند. همچنین از نظر من، چگونگی دسته بندی زبان ها به ویژگی های بنیادین آن ها بستگی دارد. برای مثال، زبان انگلیسی را امروزه به عنوان زبانی مستقل می شناسیم، اما این نکته پذیرفته شده است که این زبان پیش تر تصریفی بوده است و آثار تصریفی بودن هنوز در ساختار فعل های آن باقی است. اما اگر به گروهی از واژگان مانند "parent, parenthood"...، "man, manly"، "rest, restless, restlessness"...، توجه کنیم، دیگر نمی توان ویژگی های پیوندی، به معنای کلاسیک را، در آن انکار کرد.»

همچنان که همه می دانند، زبان عربی و زبان کردی از لحاظ ساختار لغت هر دو زبانی تصریفی می باشند ولی تا به حال هیچ کس ادعای هم خانواده بودن این دو زبان را نکرده است. ساختار لغت تنها یکی از ده ها ابعاد یک زبان می باشد. اما همان طور که اشاره کردیم زبان سومری حتا در شیوه ساختار لغت با زبان های ترکی و مجاری بسیار فرق دارد. پیشوندها و پسوندها در ساختار واژگانی زبان سومری، آزادانه به کار می روند. سومری از این نظر با دیگر زبان های پیوندی آسیایی، مانند اورالی- آلتای، دراویدی، ژاپنی، و کره ای فرق دارد؛ از این جهت که در این زبان ها در هنگام صرف فعل، اسم، یا ضمیر، تنها از پسوندهای معینی می توان استفاده نمود.

برخلاف ترکی، زبان سومری زبانی ارگاتیو است و ارگاتیوتی همانطور که به آن اشاره شده است امری است ثابت تر در دوران تاریخ یک زبان.

“Ergative characteristics are apparent in a number of languages of the ancient Near East (all were extinct well before the beginning of the Christian era, Sumerian(Michalowski 1980:49-51; Foxvog 1975), Hurrian, Urartian, Hattic and Elamite(see Steiner 1979), and further references there in).”
(Robert M. W. Dixon, “Ergativity”, Cambridge University Press, 1993, pg 3).

زبان پهلوی (و بطور کلی زبان های فارسی میانه)، همانند زبان کردی جدید، ارگاتیو گسسته بوده اند. در زبان فارسی میانه (و نیز در زبان های هندو آریایی میانه، هندی جدید، پنجابی، راجستانی، ماراتی، و سندی) «زمان گذشته» در هندو اروپایی اصلی (در قالب استمراری، گذشته کامل، و ماضی نامعین) فراموش گردید و جای خود را به ساختاری داد که اسم مفعول مجهول را دربر می گرفت. برای نمونه در مورد فعل های متعدی، جمله ی I hit him تبدیل شد به He (was) hit by me. در نتیجه ساختاری به وجود آمد که در آن مفعول در حالت مستقیم (نهادی) و فاعل در حالت غیرمستقیم (حالت ملکی قدیم در زبان های ایرانی، و حالت ابزاری قدیم در زبان های هندو آریایی) قرار گرفت.

زبانشناسی دیگر میگوید(بنگرید به سند اول در کتابنامه):

«تعریف ارائه شده از ویژگی گونه شناختی پیوندی بودن زبان ها بسیار ضعیف است. چراکه این ویژگی اساسا از اهمیت چندانی برخوردار نیست. چنان که يك فرد با مشاهده صدق کردن ویژگی یاد شده در زبان های قفقازی، اورالی، و آلتای می تواند به سادگی به کم اهمیت بودن آن پی ببرد.

زبان سومری در بسیاری از موارد کاملا با زبانهای اورالی فرق دارد. برای نمونه، در زبان های اورالی صرف فعل تنها به وسیله پسوندها صورت می گیرد، اما در زبان سومری علاوه بر پسوندها، انواع گوناگونی از پیشوند وجود دارد که به فعل افزوده می شوند. ضمائر مفعولی، وجه نماها و مفاهیم واژگانی به واسطه این پیشوندها تعیین می شوند. برای نشان دادن تعدد و نیز شدت يك حالت «بن» در زبان سومری می تواند تکرار شود؛ حال آن که این ویژگی در زبان های اورالی(و التایی) وجود ندارد. در هر صورت، ویژگی های مربوط به گونه شناسی زبان ها حداکثر می تواند یافته هایی آزمایشی به شمار آید و نمی توان آن ها را سندی بر ارتباط دیرین دو یا چند زبان دانست».

زبانشناسی دیگر میگوید(بنگرید به سند اول در کتابنامه):

«اگر همیشه بودن تکواژهای موجود در دو زبان را نتوان با استفاده از قوانینی پایدار اثبات نمود، همانندی ساختار جمله در آن دو زبان به هیچ وجه نمی تواند دلیلی بر همیشه بودن آن ها باشد. چنان که زبان انگلیسی جدید با داشتن بن های تك هجایی بسیار و تعداد اندکی «دگرواژ»، از نظر برخی ویژگی های ساختاری بیشتر شبیه به زبان چینی است تا زبان های آنگلساکسون، لاتین، و روسی. در هر صورت گونه های ساختاری زبان ها کم شمار هستند و حدود 3000 (یا بیش از 3000) زبان موجود در جهان را فارق از ریشه ی آن ها می توان از نظر ساختاری به چند دسته تقسیم نمود. به علاوه، کلوک (سومرشناس) معتقد است که زبان سومری را نمی توان از نظر ساختاری با خانواده زبان های فینو- ایغوری مقایسه کرد، بلکه این زبان با زبان های حامی و بسیاری از زبان های سودانی قابل مقایسه است. همچنین «مین هاف» (1914-1915) برای نخستین بار مشابهت های زبان سومری و برخی زبان های آفریقایی (باننتو و حامی) را تشخیص داد».

نتیجه:

تفاوت های بسیاری از لحاظ ساختار لغت و دستور زبان بین زبان های سومری و زبان های التایی و اورالی وجود دارد و ادعای پان ترکیستان در این زمینه هم کاملا پوچ هست.

بخش سوم: جعلیات پان ترکیستان درباره لغت و عده‌های سومری.

یکی از پان ترکیستان چند ماه پیش از نوشتن این مقاله يك فهرست لغت همانند سومری و ترکی برای ما فرستاد. وی با تصور این که من دسترسی به لغت نامه سومری ندارم گمان می کرد که می تواند چند لغت سومری را جعل کند و بعد ادعا کند که زبان سومری و ترکی از يك خانواده می باشند. این فهرست لغات هیچ شباهتی با واژگان موجود در لغتنامه معتبر سومری که در اینترنت موجود هست نداشت. این لغت نامه معتبر در این صفحه موجود می باشد:

www.sumerian.org

و در آذرگشنسپ این لغتنامه را جا داده ایم که:

Sumerian Lexicon (2000)

و همچنین به کتابی تازه نیز نگاه میکنیم:

Allan R. Bomhard, John C. Kerns, "The Nostratic Macrofamily: A study in the distant relationship of languages", Walter de Gruyter, 1994.

ما اینجا به واژگان بسیار ساده یعنی مادر و پدر نگاه می‌کنیم. این پان ترکیست می گوید که واژه مادر در ترکی (آنا) با واژه سومری *āmā / ama* از یک ریشه است.

ما واژگان نزدیکتر از زبان هندواروپایی داریم (برگرفته از کتاب (The Nostratic Macrofamily (صفحه 571)

Proto-Indo-European **am(m)-* 'mother': Greek *ἄμμος, ἄμμία, ἄμμά* 'mother'; Late Latin *amma* 'mom'; Oscan (gen. sg.) *Ammaí* the name of a Samnite goddess; Old Icelandic *amma* 'grandmother'; Old High German *amma* 'mother, nurse'; Albanian *amë* 'mother, aunt'. Pokorny 1959:36 **am(m)a, *amī* 'mommy'; Walde 1927–1932.I:53 **am(m)a*; Mann 1984–1987:18 **amā* 'mother, nurse'; Watkins 1985:2 **amma* various nursery words.

و در کتاب بالا این واژه در سومری به طور (صفحه 572)

Sumerian *ama* 'mother'.

آمده است. بنابراین اگر قرار است با یک واژه همصدا، دو زبان را به هم پیوند دهیم، میتوان این کار را با بسیاری از زبانها کرد. بویژه آنکه واژگان پدر و مادر را بسیاری از زبانشناسان از ریشه‌ی *baby talk origin* یا سخن‌نوزادی میدانند. یعنی این واژگان از صداهاى طبیعی نوزاد برگرفته شده است. چنانکه در رابطه با واژه آنا در ترکی میتوان به این واژگان در زبانهای هندواروپایی نیز اشاره کرد (همان کتاب) (صفحه 584):

Proto-Indo-European **?ano-s* 'mother': Hittite (nom. sg.) *an-na-aš* 'mother'; Luwian (nom. sg.) *an-ni-iš*, *a-an-ni-iš* 'mother'; Lycian (nom. sg.) *ēni* 'mother'; Lydian (nom. sg.) *ēnaš* 'mother'; (?) Greek (Hesychius) *ἀννίς* 'grandmother'; Latin *anna* 'foster-mother'. Pokorny 1959:36–37 **an-*; Walde 1927–1932.I:55–56 **an-*; Sturtevant 1933:87, §73; 132, §129; 178–179, §203; Tischler 1977– :24–25; Puhvel 1984– .1/2:55–57.

در همان کتاب:

Altaic Turkish: ana

همچنین این پان ترکیست ادعا می کرد که واژه «aba» در سومری همسان واژه آتا در ترکی می باشد. دوباره ما اینجا اشاره می کنیم که آبا در عربی درست مانند آبا در سومری می باشد. لغتنامه سومری احتمال میدهد که آبا از آکادی برگرفته شده است. در هر صورت کتاب *The Nostratic Macrofamily* آن را یک لغت سومری میداند. همچنین در لغتنامه سومری، واژه «pab» یا «pap» به معنی پدر و رهبر هم هست! و این را میتوان درست هم صدای پاپ (پدر) در زبانهای هندواروپایی دانست (مانند اردشیر پاپکان). و پاپا در فرانسوری و بابا در فارسی هم از نظر صوتی شبیه به آبا سومری هستند. همچنین ایا در آلمانی یعنی پدر و با وجود تغییر پ به ب در بسیاری از زبان ها - آلمانی ها هم می توانند به شیوه پان ترکیست ها ادعا کنند که زبان سومری يك زبان آلمانی است. بنابراین همصدا بودن واژگان طبیعی و نوزادی امر بدیعی نیست. چنانکه بابا و اب و ابو و ابا و اپو (دراویدی) و آبا و غیره همه در آوا نزدیک هم هستند، در حالیکه مال دو یا چند خانوادهء جدا از هم میباشند.

دوباره اعداد سومری این پان ترکیست فراتر رفته است و مدعی شده است که عدد «دو» در زبان سومری *ikki* هست! زیرا عدد دو در زبان ترکی *iki* می باشد. اما با تحقیق در يك لغتنامه سومری و اکادی ما این عدد ها را یافتیم:

1	diš, aš	Išten
2	min	Šina
3	eš	Šalaš
4	limmu	Erbe
5	ia	hamiš
6	aš	šediš
7	imin	sebe
8	ussu	samane
9	ilimmu	tiše

10	u	ešer
11	u-diš (?)	ištenšeret
13		šalaššer
17		sebešer
20	niš	ešra
30	ušu	šalaša
40	nimin	erba
50	ninnu	hamša
60	giš, geš	šuši
100		me'at
600	gešu	nerum
1000	lim	limum
3600	šar	šarum

و همچنان که می بینید عدد دو در زبان سومری «مین» تلفظ می شود و هیچ شباهتی حتا آوایی با عدد «ایکی» در زبان ترکی ندارد. البته اگر به شیوه پان ترکیستان عمل کنیم ما می توانیم بگوییم که «مین» همان «بین» لاتین هست و واژه binary یعنی دو در زبان لاتین! همچنین این شخص ادعا کرد که واژه سه در زبان سومری درست مانند واژه سه در زبان ترکی هست! اما واژه سه در زبان سومری (اش) هست و واژه سه در زبان ترکی «اوچ»! در زبان سومری که شمارش بر اساس 60 و نه 10 می باشد عدد $60*60=3600$ را میتوان چون $10*10=1000$ در کیفیت دانست. اگر ما بخواهیم به شیوه پان ترکیستها عمل کنیم چون عدد 3600 در سومری شار هست ما بگوییم که واژه هزار(کردی)=هشار=شار. یا واژه شیش=اش. فهرست عددهای بالا نشان می دهد که بسیاری از عددهای زبان سومری و آکادی(یک زبان سامی) از در آوا نزدیک هم هستند (مانند 3600).

کلمات دیگری هم هستند که در سومری و هر زبانی ممکن هست نزدیک باشند. مثلا کلمه اب در زبان سومری یعنی دریاچه و این با آب فارسی و هندو اروپایی ربطی ندارند. همچنین پان ترکیستان می گویند که اسامی خدایان در زبان سومری که یکیش دینگیر می باشد، همان واژه تنگری است. ولی واژه تنگری در زبان ترکی یعنی آسمان و واژه دینگیر در زبان سومری بنا بر لغتنامه اینترنی سومری(3) از دو واژه دی + گیر ساخته شده و دی در زبان سومری معنی داد را می دهد و گیر معنی برآوردن و رساندن را دارد.
با این شیوهی زبانبازی، می شود مانند پان ترکیستان گفت که واژه دادگر فارسی و دینگیر سومری یکی هستند!

برای تفریح خواننده ما واژگان مشابه زبان های هندو اروپایی و به خصوص زبان هندو اروپایی لاتویان را با سومری در این جا از اینترنت گرفتیم:

Sumerian and PIE

Sumerian and PIE 2

Sumerian and proto-Indo-European Lexical Equivalence - Latvian Comparison 1

Sumerian and proto-Indo-European Lexical Equivalence - Latvian Comparison 2

همچنین در این جا شباهت زبان تامل و سومری که در چند مجله معتبر به ان اشاره شده است:
به اسناد (1) نگاه کنید.
و همچنین به اینجا:

Lexical Correspondences between Sumerian and Dravidian

Sumerian si-in and Old Tamil cin: A study in the Historical Evolution of the Tamil Verbal System

Sumerian :TAMIL of the First CaGkam

و در این جا مشابهت زبان باسک و سومری:

Sumerian and Basque

و در این جا تشابه زبان افریقایی و سومری:

(به اسناد (1) نگاه کنید)

و در این جا تشابه زبان استرالیایی و سومری:

Austric relationship of Sumerian Language

البته از دید پان ترکیستان همه این زبان ها(حتی هند و اروپایی و دراویدی..) ترکی می باشند؛ چرا که آنان همه زبان های دنیا را از ریشه ترکی می دانند! این فهرست تشابهی را کسی در دنیا علم جدی نمی گیرد زیرا اولاً مانند فهرست پان ترکیست ها ممکن است بیش از حد غلط و تحریف شده باشند. ثانياً اگر پان ترکیست ها فکر می کنند که زبان سومری و ترکی از يك شاخه اند، به جای این همه هیاهوگری و زبان بازی و دست یازی به فرضیه های توطئه، بهتر است مقاله ای را به يك مجله معتبر جهان بفرستند و تلاش کنند که نظر همه دانشمندان امروزی را عوض کنند. اما حال که پان ترك ها از انجام دادن چنین عملی ناتوان اند و دست های خود را در برابر محافل علمی جهان کاملاً خالی و تهی می بینند، شایسته است به خود بیایند و چشمان خویش را بر روی حقایقی که تاکنون از درک آنان غافل بودند، باز کنند. اسناد و کتابنامه:

1)

Responses to Sumerian-Ural-Altai Affinities (CA 1971)

2)

A New Aspect of the Sumerian Question (AMJSLL 1906)

3)

Sumerian Lexicon (2000)

4)

On the Idea of Sumerian-Uralic-Altaic Affinities (CA 1973)

-

5)

Are the Sumerians and the Hungarians or the Uralic People Related? (CA 1976)

6) Allan R. Bomhard, John C. Kerns, "The Nostratic Macrofamily: A study in the distant relationship of languages", Walter de Gruyter, 1994.

و چندین سند دیگر که در بالا نامش را آوردیم